

امامان هدایت پرچمداران هدایت

سید احمد خاتمی

”منار“ جمع مناره از ریشه نور است، به جایی گفته می‌شود که چراغ را بر آن می‌گذارند^(۶) در این واژه نور افشانی کردن، راه نشان دادن مورد عنایت است.

آنها نور افشان زندگی بشرند. بدون آنان، بدون رهنمودهای آنان، بدون اسوه قرار دادن آنان، زندگی حرکت در ظلمت است.

اعراض از راه و مکتب آنان اعراض از یاد خداست که آنان به چیزی جز خدا دعوت نمی‌کنند، این اعراض کوری است، این اعراض ظلمت است، تجسم آن در قیامت اینست که ”و نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ اَعْمَى“^(۷) روز قیامت او را ”اعمی“ کور محشور می‌کنیم. این ”اعمی“ همان تجسم کوری دنیاست. در حیات و ممات، آنان نور افشان بلادند، حیاتشان مملو از نور افشانی معنویت است، گفتارشان، رفتارشان، سکوتشان، نگاهشان و... همه و همه روشنگری و هدایت است و بعد از شهادت آنها هم قبورشان کانون نور افشانی و معنویت است.

سالک راه حق بیا نور هدی ز ما طلب

نور بصیرت از در عترت مصطفی طلب

دم بدم بگوش هوش می‌فکنندم این سروش

معرفت از طلب کنی از برکات ما طلب

مفلس بی نوا بیا از در ما ببر نوا

صاحب مدعا بیا از در ما دعا طلب

واژه ”مناراً فی بلادہ“ با ”اعلاماً لعبادہ“ متفاوت است چون ”عَلَمٌ“ ممکن است چراغ نداشته باشد، لذا مناراً آمد که امامان پرچم چراغ دارند و همانند ستاره‌های درخشان در تاریکی‌های شب و ظلمتهای گمراه کننده آن به رهجویان راه را می‌نمایند.

در این شب سیاهم گم گشت راه مقصود

از گوشه‌ای برون آی کوکب هدایت

از هر طرف که رفته جز وحشتم نیفزود

ز نهار این بیابان وین راه بی نهایت

این راه را نهایت صورت کجا توان بست

کش صد هزار منزل بیش از در هدایت

گفتنی است امامان برای همه نورافشانند،

لکن بهره‌ور این نور آنانند که پرده‌ها را کنار زده

راه ورودی نور فراهم می‌کنند همانند خورشید،

خورشید یکسان می‌تابد اما کسانی از نور این

خورشید بهره‌مند می‌شوند که بر اطلاق خود پرده

نکشیده باشند و الا نور نفوذ نخواهد کرد. از این

رهگذر پاسخ به این سؤال روشن می‌شود که

چگونه قرآن خود را مایه هدایت همگان معرفی

کرده ”هدی للناس“^(۸) مایه هدایت مردم است

در عین حال می‌فرماید: ”هدی للمتقین“^(۹) یعنی

بهره‌مندی از این کتاب مخصوص اهل تقوی است.

و آفریدگانش قرار داده است، پس هر کس او را با این ویژگی بشناسد و بدان ملتزم باشد مؤمن است و هر کس که انکارش کند کافر است و هر کس او را نشناسد جاهل است و هر کس دیگری را در این جایگاه ببیند مشرک است و هر کس ولایت او را همراه خود بیاورد داخل بهشت می‌شود.»

بر این اساس در مسیر بندگی باید زیر پرچم اینها حرکت کرد تا سالم به مقصد رسید و گرنه تضمینی برای رسیدن به مقصد نیست.

طی این مرحله بی‌همری خضر مکن

ظلمات است بترس از خطر گمراهی

تعبیر ”عَلَمٌ“ برای اسلام^(۲) و برای پیامبر

اکرم(ص)^(۳) و برای کعبه^(۴) و برای قرآن^(۵) نیز

به کار رفته است. در این فراز امامان هم به

عنوان ”علم“ معرفی شده‌اند این گویای آن

است که اگر کسی بخواهد تمام اسلام را مجسم

در یک انسان ببیند آن انسان امام معصوم(ع)

است. او تجلی اسلام و قرآن و پیامبر اکرم(ص)

است.

■ نور افشانی امامان

”و مناراً فی بلادہ“

او شما را کانون نور افشانی در بلادش قرار

داده است.

در آستان امامان مجموعه مقالاتی است پیرامون «شرح زیارت جامعه کبیره» عمیق‌ترین متن امام‌شناسی ناب شیعی فرازهانی در مقالات گذشته تقدیم شد و اینک به شرح سه فراز دیگر می‌پردازیم:

”و اعلاماً فی عبادہ“

و شما را نشانه‌هایی برای بندگان خود قرار داد.

اعلام واژه اعلام جمع علم به معنای نشانه است، به اسم اشخاص هم که ”عَلَمٌ“ گفته می‌شود از آن جهت است که نمایاننده شخص معین است.

امامان نشانه برای تمامی فضائل‌اند. آنچه

خوبان همه دارند، این انوار تابناک یکجا دارند،

لیکن برجسته‌ترین فضائل که با هدف خلقت گره

خورده عبودیت است. امامان علمدار و پرچمدار

این فضیلت بزرگ‌اند در مسیر عبودیت و بندگی

که همان صراط مستقیم است، نمی‌شود بدون

دلیل راه رفت، این دلیل امامان هستند همان که

در فراز ”اعلام التقی“ بحث شد. و در روایتی آمده

است: «انَّ اللّٰهَ عَزَّ وَ جَلَّ نَصَبَ عَلِيًّا عَلِمًا بَيْنَهُ

و بَيْنَ خَلْقِهِ فَمَنْ عَرَفَهُ كَانْ مُؤْمِنًا وَ مَنْ انْكَرَهُ

كَانْ كَافِرًا وَ مَنْ جَهِلَهُ كَانْ ضَالًّا وَ مَنْ نَصَبَ

مَعَهُ شَيْئًا كَانْ مُشْرِكًا وَ مَنْ جَاءَ بَوْلَايَتِهِ دَخَلَ

الْجَنَّةَ؛^(۱) خداوند علی را پرچم هدایتی بین خود

■ واژه نور در قرآن و روایات

نور در قرآن و روایات در معانی ذیل به کار رفته است:

۱- خداوند تعال

اصل و اساس نور در قرآن کریم ذات مقدس ربوبی است.

«اللّه نور السموات و الارض...»^(۱۰) خداوند نور آسمانها و زمین است. برخی گفته‌اند معنای آن اینست که او هدایت کننده است، برخی نور را به معنای روشن کننده دانسته‌اند و برخی به معنای زینت بخش معنی کرده‌اند. تردیدی نیست که این تشبیه است ولی تشبیهی بسیار گویا. نمی‌توان تشبیهی گویاتر از این یافت، نور زیباترین و لطیف‌ترین موجودات در جهان ماده است و سرچشمه همه زیباییها و لطافتهاست.

نور بالاترین سرعت را در جهان ماده دارد. نور وسیله تبیین اجسام و مشاهده موجودات مختلف این جهان است، هم ظاهر است و هم مظهر (ظاهر کننده).

نور آفتاب که مهم‌ترین نور در دنیای ماست پرورش دهنده گلها و گیاهان، بلکه رمز بقای همه موجودات زنده است و ممکن نیست موجودی بدون استفاده از نور (بطور مستقیم یا غیر مستقیم) زنده بماند.

امروز ثابت شده تمام رنگهایی را که ما می‌بینیم نتیجه تابش نور آفتاب یا نورهای مشابه آن است و گر نه موجودات در تاریکی مطلق رنگی ندارند.

تمام انرژی‌های موجود در محیط ما (به جز انرژی اتمی) همه از نور آفتاب سرچشمه می‌گیرد، حرکت بادها، ریزش باران، حرکت نهرها، سیل‌ها، آبشارها بالاخره حرکت همه موجودات زنده با کمی دقت به نور آفتاب منتهی می‌شود.

نور آفتاب نابود کننده انواع میکروبیها و موجودات موزی است و اگر تابش اشعه این نور پر برکت نبود کره زمین تبدیل به بیمارستانی بزرگ می‌شد که همه ساکنانش با مرگ دست به گریبان بودند.

به این ترتیب به این باور می‌رسیم که گویاترین تشبیه به ذات خداوند «واژه نور» است، موارد دیگر استعمال نور در قرآن و روایات عبارتند از:

۲- قرآن کریم

«قد جاءکم من اللّه نور و کتاب مبین»^(۱۱) از سوی خداوند نور و کتاب آشکاری برای شما آمد.

۳- ایمان

«اللّه ولی الّذین آمنوا یخرجهم من

الظلمات الی النور»^(۱۲) خداوند ولی کسانی است که ایمان آورده‌اند آنها را از ظلمتهای شرک و کفر به سوی نور ایمان رهبری می‌کند.

۴- هدایت الهی و روشن بینی

«او من کان میتاً فاحییناه و جعلنا له نوراً یمشی به فی النّاس کمّن مثله فی الظلمات لیس یخارج منها»^(۱۳)

آیا کسی که مرده بوده است و ما او را زنده کردیم و نور هدایتی برای او قرار دادیم که در پرتو آن بتواند در میان مردم راه برود همانند کسی است که در تاریکی باشد و هرگز از آن خارج نگردد.

۵- آیین اسلام

«یأبی اللّه الّا ان یتّم نوره و لو کره الکافرن»^(۱۴) خداوند ابا دارد جز این که نور اسلام را کامل کند هر چند کافران نخواهند.

۶- شخص پیامبر(ص)

«...و داعیا الی اللّه باذنه و سراجاً منیراً»^(۱۵)... ما تو را دعوت کننده به سوی خداوند به اذن و فرمان او قرار دادیم و چراغی نور بخش.

۷- علم و دانش

«العلم نور یقذفه اللّه فی قلب من یشاء»^(۱۶) علم نوری است که خداوند بر قلب هر کس که بخواهد می‌افکند.

۸- امامان معصوم هم نورند

در همین زیارت جامعه می‌خوانیم: «و اتمم نور الاخیار و هدایة الابرار»^(۱۷) شما نور خوبان و هدایت کننده نیکوکاران هستید.

از مصادیق بارز این گفتار خدای سبحان «یحعل لکم نوراً تمشون به»^(۱۸) امام معصوم است که خط مشی سالکان کوی حقیقت را ترسیم و کیفیت پیمودن آن را تبیین و نحوه اجرای آن را با صحابت گام به گام خود تحقیق می‌نماید. در روایات عترت نیز با این مصداق تصریح شده و فرموده‌اند، مصداق نور، امام معصومی است که مردم به او اقتداء کنند.^(۱۹)

حضرت مولی علی(ع) خود را چنین معرفی می‌کند:

«وانی لمن قوم لاتأخذهم فی اللّه لومة لائم سیماهم سیماء الصّدیقین و کلامهم کلام الابرار، عتار اللیل و منار النهار»^(۲۰) من از کسانی هستم که در راه خدا از هیچ ملامتی هراس نداشتند، از کسانی که سیمایشان سیمای صدیقان و گفتارشان گفتار نیکان است، از کسانی که شبها را با عبادت آباد می‌کنند و در طریق هدایت مردم روشن بخشی راهنمایند.

«و ادلاء علی صراطه» خداوند شما را راهنمایان بر صراط خویش پسندید.

■ واژه صراط

صراط مشتق از صراط است صراط یعنی بلعین سریع، به راه روشن و وسیع از آن جهت که روندگان بسیاری را در خود جا می‌دهد صراط گفته شده است.^(۲۱)

صراط مستقیم در قرآن یکی است «سبیل» راههایی است که انسان را به این صراط می‌رساند.

صراط مستقیم در قرآن گره خورده به راهنمای آن یعنی نبی اکرم(ص) و فرزندان معصومش که تداوم بخش شخصیت حقوقی آن پیامبر بزرگند می‌باشد و در حقیقت علم و نشانه صراط مستقیم راهی است که این گلهای بی خار جهان هستی در رأس آن باشند.

«و انک لتدعوهم الی صراط مستقیم»^(۲۲) و همانا تو آنها را به صراط مستقیم می‌خوانی.

«...و انک لتهدی الی صراط مستقیم صراط اللّه...»^(۲۳) و همانا تو هدایت به صراط مستقیم می‌کنی، صراطی که راه خدا است...

روشن است که اینجا پیامبر اکرم(ص) به عنوان شخصیت حقوقی مطرح است این شخصیت حقوقی مردنی نیست بعد از پیامبر منتقل به امامان معصوم می‌گردد. شخصیت حقیقی است که مردنی است.

بنابراین همانگونه که پیامبر اکرم(ص) دلیل و راهنمای صراط مستقیم است امامان معصوم هم همین نقش را دارند.

■ ■

پی‌نوشتها:

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۴۳۷.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۶۱.

۳. همان، خطبه ۲.

۴. همان، خطبه ۱۹۶.

۵. صحیفه سجادیه، دعای ۴۲.

۶. العین، ج ۲، ص ۱۸۵۱.

۷. سوره طه، آیه ۱۲۴.

۸. سوره بقره، آیه ۱۸۵.

۹. همان، آیه ۲.

۱۰. سوره نور، آیه ۳۵.

۱۱. سوره مائده، آیه ۱۵ نیز بگرد اعراف، آیه ۱۵۷.

۱۲. سوره بقره، آیه ۲۵۷.

۱۳. سوره انعام، آیه ۱۲۲.

۱۴. سوره یوسف، آیه ۲۲.

۱۵. سوره احزاب، آیه ۴۶.

۱۶. مصباح الشریعه، ص ۱۶.

۱۷. رک. تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۵۰۲ تا ۵۰۸.

۱۸. سوره حدید، آیه ۲۸.

۱۹. تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۲۵۲ و ۲۵۴.

۲۰. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.

۲۱. مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۰۳، ترتیب العین، ج ۲، ص ۸۱۲.

۲۲. سوره مؤمنون، آیه ۷۳.

۲۳. سوره شوری، آیه ۵۲-۵۳.